



شیرین ترین خاطره

عجله داشت و شش ماهه به دنیا آمد

شیرین ترین خاطره زندگی مشترکشان، تولد اولین فرزندشان است. مادر تعریف می کند و می گوید: چند ماه بعد از دواج، دائم به گشت و گذار در بیرون شهر و کوه بودیم. همین باعث شد که دخترم شش ماهه به دنیا بیاید. دخترم را دو ماه داخل دستگاه گذاشتند. هر موقع به بچه سر می زدیم، می دیدم که دانشجویان پزشکی بالای سرش ایستاده اند و مشغول تست و آزمایش هستند. با خودشان می گفتند این زنده نمی ماند و با او به عنوان نمونه آزمایشگاهی رفتار می کردند.

با با صحبت مادر ادامه می دهد و می گوید: این شرایط باعث شد او را به خانه بیاوریم. بعد از مدتی صورتش سیاه شد و مجبور شدیم او را به بیمارستان برگردانیم. با کلی نذر و صلوات بالاخره حالش خوب شد و از داشتن یک دختر سالم بی نهایت خوشحال بودیم.

من یک «گدا» هستم

(CODA) فیلمی درام محصول ۲۰۲۱ است که زندگی یک خانواده را از نگاه دختر خانواده به تصویر می کشد. همگی اعضای این خانواده یعنی پدر، مادر و برادر این دختر ناشنوا هستند و ارتباط آن ها با دیگران و محیط اجتماعی اطرافشان منوط به حضور دختر شنوای خانواده است. قهرمان این

فیلم شیفته موسیقی است و از قضا استعداد خوبی هم در این هنر دارد. او برای تحصیل در این رشته باید به دانشگاه برود و خانواده اش را ترک کند. اما پدر و مادرش از درک علاقه و استعداد او عاجزند و از نظر آن ها همین نقش فعلی او در کمک به خانواده با اهمیت ترین موضوع است.

اسما هم یک «گدا» است. گدا به معنی فرزند شنوای پدر و مادری ناشنواست. اسما متولد ۱۳۸۸، دانش آموز کلاس نهم است و نمی تواند مانند دیگر نوجوان ها برای خودش زمان بگذارد. او می گوید: خواهر بزرگترم دوست ندارد مرکز توجه بقیه باشد؛ به همین دلیل کمتر همراه پدر و مادر بیرون می رود. برادر کوچکتر هم دوازده سال دارد و تنها من مانده ام. وقتی پدر و مادرم می خواهند برای خرید بیرون بروند یا مثلاً به بانک، باید همراهشان باشم. تلفنشان که زنگ می خورد، باید جواب بدهم.

احساسات در زبان اشاره خنثی می شوند

او هم مانند دخترک فیلم کدانی توان داشت حرف هایش را به پدر و مادرش بگوید و منظورش را برساند. اسما می گوید: به نظر من درک متقابل والدین ناشنوا و فرزندان شنواسخت و مشکل است. نه ما درک کاملی از دنیای ناشنوایان داریم و نه پدر و مادر ناشنوا کامل می فهمند بچه ها با چه چالش هایی روبه رو هستند. سخت ترین بخش ارتباط گرفتن فرزندی که می شنود با پدر و مادر ناشنوا در بیان احساسات است. وقتی درباره احساسات حرف می زنیم، به سختی متوجه می شوند و گاهی اشتباه برداشت می کنند. برای

همین قیدش را می زنیم و کلاً در این باره صحبت نمی کنیم؛ مثلاً از وضعیت حال روحی ام چیزی نمی گویم؛ چون اکثر اوقات متوجه نمی شوند و فایده ندارد. مثلاً تصور کنید از موضوعی عصبانی هستیم و معمولاً افراد با داد و بیداد عصبانیت را نشان می دهند. اما با زبان اشاره باید بیان کنیم که از فلان مسئله عصبانی هستم و عملایی فایده است.

یادگیری زبان رسمی اشاره

اسما و خواهر و برادرش از وقتی در این خانه، چشم باز کردند، راه صحبت و ارتباط با زبان اشاره را آموخته اند؛ البته نه زبان رسمی ناشنوایان. این راه ارتباطی بیشتر مخصوص خانواده خودشان است. اسما حالا در کلاس رسمی زبان ناشنوایان شرکت می کند. او می گوید: به همراه پدر و مادر به کانون ناشنوایان مشهد می روم. آنجا پیشنهاد کردند و گفتند حالا که وقت می گذاری، زبان رسمی اشاره را یاد بگیر.

حرف آخر، ضرورت فرهنگ سازی درباره ناشنوایان

اسما شاید بهترین کسی باشد که بتواند درباره مشکلات ناشنوایان صحبت کند؛ حتی بیشتر از خود ناشنوایان. او می گوید: ناشنوایان اینجا با چالش هایی روبه رو هستند که بعید می دانم در کشورهای دیگر اتفاق بیفتد؛ مثلاً همین چند وقت پیش در اتوبوس با مادرم صحبت می کردم که فردی ناگهان با خشم سرمان داد کشید. آن فرد گفت که «من را مسخره می کنی؟» به او توضیح دادم که «مادرم ناشنواست و دارم با او صحبت می کنم». مشکلات دیگری هم هست؛ مثلاً وقتی پدر و مادرم با دوستانشان تصویری صحبت می کنند، در این موارد، بقیه با تعجب خاصی نگاهشان می کنند، انگار موجوداتی فضایی هستند! یا بسیاری مواقع، زبان نشان را مسخره می کنند و دست نشان را الکی تکان می دهند. منظورم این است که درباره ناشنوایان به هیچ وجه فرهنگ سازی صورت نگرفته است و بسیاری از افراد جامعه از مشکلات ناشنوایان بی خبرند.



اسما و پدر و مادرش اینجا به زبان اشاره می گویند «من ناشنوا هستم».

یادداشت

آسیب شنوایی، معلولیتی پنهان

مریم ساییز، مدیر مرکز مثبت زندگی و کلینیک مددکاری رادمان



آسیب شنوایی معلولیتی پنهان و دارای تأثیرات گسترده بر جنبه های مختلف رشد مهارت های ارتباطی، اجتماعی و هیجانی فرد و خانواده وی است. هرچه سن بروز آسیب شنوایی پایین تر باشد، میزان مشکلات عملکردی فرد، بیشتر می شود و جنبه های گسترده تری از فرایند رشد و تحول زبان و گفتار وی تحت تأثیر قرار می گیرد. اختلال شنوایی یا کم شنوایی، یک بیماری جدی و خاص است که بخش بزرگی از زندگی فرد را از نظر روانی و فیزیولوژیکی تحت تأثیر قرار می دهد. علاوه بر دلایل رایج برای کم شدن قدرت شنوایی، باید بدانید که عفونت های گوش، ضربه های شدید به سر، نوزدهای بلند و مداوم و همچنین برخی بیماری ها می توانند باعث اختلال شنوایی شوند.

عمدتاً در موضوع شنوایی ما با دو گروه ارتباط داریم که شامل گروه ناشنوا و گروه کم شنوایی می شوند. کسی که کم شنواست، می تواند خیلی کم بشنود یا اصلاً چیزی نشنود. افرادی که دچار کم شنوایی هستند، می توانند صداها را به اندازه کافی بشنوند تا در مکالمات شرکت کنند. آن ها می توانند توانایی شنوایی خود را با سمعک یا سایر درمان ها بهبود بخشند. اما برای فردی که ناشنواست، استفاده از سمعک و دستگاه های دیگر کمکی نمی کنند. این افراد از زبان اشاره برای برقراری ارتباط استفاده می کنند. از آنجایی که ناشنوایان برخلاف نابینایان یاد دیگر معلولان جسمی حرکتی، نشانه خاصی برای شناخته شدن در جامعه ندارند و تنها از روی سمعکشان یا زمانی که با ایما و اشاره صحبت می کنند، باید متوجه حضور آن ها در جامعه شد. سازمان جهانی بهداشت این دسته از معلولان را افرادی با معلولیت پنهان خوانده است. امروزه سازمان بهزیستی با اولویت قرار دادن برنامه هایی همچون غربالگری شنوایی نوزادان و کودکان، تشخیص بهنگام و ارجاع به موقع، توان بخشی گفتاری و شنیداری در مراکز خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی، ارائه تجهیزات توان بخشی (سمعک)، ارائه کمک هزینه کاشت حلزون شنوایی، تعمیر و تعویض قطعات پروتز کاشت، ارائه خدمات توان بخشی بعد از کاشت حلزون شنوایی، آموزش و مشاوره خانواده و آماده سازی کودک برای ورود به مهد و مدرسه، یاریگر متخصص و متعهد کودکان دارای آسیب شنوایی و خانواده ایشان است.